

واکاوی ارتباط عناصر نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز با توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستای گلین، شهرستان سنندج)

زانبار گفتاری* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
سیدحسین مطیعی لنگرودی - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی عناصر نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، که راجرز آن‌ها را موانع توسعه دانسته، انجام شده است. نظریه یادشده در روستای گلین شهرستان سنندج آزمون شده است تا از این طریق شناخت جامعی از بافت اجتماعی جامعه مورد بررسی حاصل شود؛ به این منظور که مشخص شود آیا عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی به صورتی که مورد توجه راجرز بوده در جامعه مورد بررسی صدق می‌کند. جامعه مورد بررسی ۳۴۴ خانوار دهقانانند که داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نظری با بررسی دیدگاه ۳۵ دهقان و تشکیل ۷ بحث گروهی با استفاده از روش‌های مصاحبه عمیق و بحث گروهی متمرکز اشباع نظری حاصل شد. براساس یافته‌های پژوهش، عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی در جامعه یادشده، با آنچه راجرز و سایر نظریه‌پردازان این حوزه مطرح کرده‌اند، مطابقت ندارد؛ به طوری که فقط در مؤلفه عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی یافته‌ها بیانگر نارضایتی مردم از وضع موجود به دلیل نبود اعتماد در بین آن‌هاست. بنابراین، می‌توان گفت چنانچه مؤلفه‌های خرده‌فرهنگ روستایی با مطالعات صحیح و متناسب با نیازهای نوین و با شرایط امروز جامعه بازسازی و بازاندیشی شوند می‌توانند به‌عنوان محرکی در فرایند توسعه و مشارکت روستایی عمل کنند.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، خرده‌فرهنگ دهقانی، راجرز، روستای گلین، شهرستان سنندج.

مقدمه و طرح مسئله

توسعه در معنای عام فرایند تحولی پیچیده و همه‌جانبه و برنامه‌ریزی شده است که در زندگی اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند. در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، که ایران نیز یکی از آنها محسوب می‌شود، هرگاه از توسعه و پیشرفت صحبت می‌شود، اصولاً توجه به ویژگی‌ها و عوامل انسانی، پراکندگی جمعیتی و نیز بافت روستایی این قبیل کشورها اهمیت فراوانی دارد (شکوئی، ۱۳۷۵: ۳۱). این جوامع، که با مشکلات متعدد ناشی از عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی مواجه‌اند، به اشکال مختلف تلاش می‌کنند تا با اجرای برنامه‌های مختلف توسعه نابسامانی‌های ناشی از توسعه‌نیافتگی را کاهش دهند و برای بهبود شرایط زندگی مردم قدم بردارند (صدیق‌بنای، ۱۳۸۷: ۹۸). عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است، بنابراین باید به صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را شناخت و در برنامه‌های توسعه به آن توجه کافی کرد (شرفی و خشکاب، ۱۳۸۸: ۱۸). در دهه‌های اخیر، مشکلات عمده در فرایند نوسازی و دگرگونی ساختاری در جوامع در حال توسعه، مقاومت در برابر پذیرش افکار جدید، نوآوری‌ها و هر ایده و طرح نو را به‌ویژه در جوامع روستایی، متناسب به نظام باورها، ارزش‌ها، و اعتقادات فرهنگی و سنتی آنها می‌دانند. اصولاً جوامع و فرهنگ‌های مختلف به لحاظ ویژگی‌های فردی و شخصیتی و زمینه‌های پذیرش برنامه‌های توسعه با یکدیگر تفاوت دارند (لهمان، ۱۹۷۹: ۳۴) و در این زمینه از تنوع و تکثر فراوانی برخوردارند (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵: ۷۳). هر یک از جوامع بشری سیستم اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد که به‌طور کلی این سیستم نمودی خاص و بی‌همتا از فرهنگ آن جامعه است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۵). یکی از نظریه‌های مهم و محوری در مکتب نوسازی نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی^۱ راجرز^۲ است. نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی بر ضعف و نقصان خرده‌فرهنگ‌ها تأکید دارد. در تعریف خرده‌فرهنگ باید گفت که تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص داخلی هر فرهنگ را خرده‌فرهنگ می‌نامند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۶). اندیشمندان این حوزه بر آن‌اند که برای پیدایش توسعه باید همه باورهای سنتی کنار گذاشته شود. به‌طوری که راجرز در بحث «خرده‌فرهنگ روستایی» بر آن است که عمده‌ترین موانع نوسازی و توسعه از شیوه زندگی و فرهنگ روستاییان نشئت می‌گیرد و عناصری مانند انگیزه‌ها، ارزش‌ها، و وجهه نظرها در قالب خرده‌فرهنگ دهقانی مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شود و عوامل منفی و بازدارنده توسعه اقتصادی فرض شده است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵). بنابراین، امروزه به‌روشنی مشخص شده است که توسعه به معنای نابودکردن هویت فرهنگی نیست، بلکه برعکس، به معنای حفاظت از آن است. به بیان دقیق‌تر، هرچند باید در نظر داشت که تأکید بر هویت فرهنگی به معنای عدم نگاه به جوامع پیشرفته و درس‌نگرفتن از آنها در راستای یک تحول فرهنگی نیست، بلکه باید با حفظ هویت فرهنگی به آرمان‌های نوسازی نیز متمسک شد، زیرا این آرمان‌ها زمینه توسعه را در جوامع سنتی فراهم می‌آورند (فرانتز، ۱۳۸۸: ۱۹). با نگاهی به نظریه‌های اولیه توسعه شاهد هستیم که بیشتر نظریه‌پردازان (راجرز، مک کله‌لند^۳، هیگن^۴، اینگلس^۵، و غیره) بر آن‌اند که توسعه پدیده‌ای ضد سنت‌ها، باورها، محلی‌گرایی، و ضد خانواده‌گرایی و غیره است. زیرا با بسیاری باورها و سنت‌های قومی-قبیله‌ای در تضاد است، ولی اکنون با وجود توسعه در مناطق روستایی شاهد حضور باورها و ارزش‌های سنتی هستیم و به یک معنا می‌توان گفت توسعه باعث شکوفاتر شدن سنت‌ها شده است (کرم‌پور و یوسفوند، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

1. Sub-culture of peasantry
2. Rogers
3. McClelland
4. Hagen
5. Ingles

روستای گلین، به‌عنوان یک بخش کوچک از خرده‌فرهنگ منطقه کردستان، به‌خصوص منطقه اورامان، هنوز تا حدودی، تحت تاثیر تحولات عصر فناوری و نوسازی جامعه ایرانی-اسلامی و نظام جهانی قرار گرفته است. این روستا، با توجه به کوهستانی، صعب‌العبور، و پُرجمعیت بودن، در آن منطقه، در حال حاضر، بخش‌هایی از بافت اجتماعی، سنت‌ها، باورهای محلی، و ارزش‌های خرده‌فرهنگی خود را حفظ کرده است (تصویر ۱ تصاویری از دهقانان روستای گلین را نشان می‌دهد).



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

پژوهش حاضر با هدف واکاوی عناصر نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، که راجرز آن‌ها را موانع توسعه دانسته، انجام شده است. نظریه یادشده در روستای گلین شهرستان سنندج آزمون شده است تا از این طریق شناخت جامعی از بافت اجتماعی جامعه مورد بررسی حاصل شود. به این منظور که مشخص شود آیا عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی به صورتی که مورد توجه راجرز بوده در جامعه مورد بررسی صدق می‌کند. با توجه به مسئله پژوهش سؤال‌های زیر مطرح می‌شود:

- چه ارتباطی بین خرده‌فرهنگ‌ها و توسعه روستایی وجود دارد؟

- آیا خرده‌فرهنگ‌ها مانع توسعه روستایی‌اند؟

مبانی نظری

«توسعه» عبارت است از توسعه انسان به‌عنوان یک فرد و یک موجود اجتماعی با هدف آزادی و شکوفایی او (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۲: ۵۲). توسعه به مفهوم علمی آن مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد نظامی جدید از زندگی است

(عظیمی، ۱۳۷۵: ۳۴). «توسعه ایدئولوژی بود که در غرب متولد شد و در آنجا نضج گرفت؛ عمدتاً به علت نیاز قدرت‌های مسلط در جهت جست‌وجوی ابزاری مناسب برای گسترش اقتصادی و ژئوپولیتیکی‌شان» بود (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸۱). توسعه دقیقاً یک مسئله بود و نه راه‌حل (پیت و ویک، ۱۳۸۴: ۲۱۷). همان‌طور که ساچس^۱ (۱۹۹۲) بیان کرده است: «تاریخ مصرف توسعه گذشته است. اما بیش از همه امیدها و آرزوهایی که توسعه بر ساخته بود اینک بر باد رفته‌اند» (پارافیت، ۲۰۰۲: ۳). نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی^۲ که در سنت جامعه‌شناسی حوزه واقعیت اجتماعی و مکتب ساختاری-کارکردی آن خصوصاً نظریه کنش تالکوت پارسنز^۳ عرضه شده است- بر آن است که کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان می‌یابد و هنجارهای اجتماعی کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۶-۱۴۰). در خرده‌فرهنگ دهقانی هنجارها، ارزش‌ها، و نگرش‌ها سه عنصر اصلی و مهم برای درک رفتار گروه محسوب می‌شوند. هنجارها نظام‌های پاداش و مجازات‌اند که اجرای اصول و قواعد رفتاری را در هر جامعه تضمین می‌کنند. به عبارت دیگر، نمادهایی محسوب می‌شوند که مورد توافق جمع‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۸۰). ایجاد حس اعتماد در شهروندان در این زمینه که گفته‌هایشان حذف نمی‌شود یا این کار برای تفتیش عقاید آنان نیست نقش مهم و تعیین‌کننده دارد (لونزو و کاستا، ۲۰۰۶). انعکاس خواسته شهروندان در زمینه‌های مختلف و نه در قالبی تعیین‌شده می‌تواند حس اعتماد را در آنان افزایش دهد (أهلین، ۲۰۰۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی تعهد پایداری را برای حمایت و بهبود رفاه اجتماعی در حال و آینده و در زمینه پایداری منفعت و سود مشارکت‌کنندگان را به وجود می‌آورد (لین و همکاران، ۲۰۰۹: ۵۷). جامعه‌ای که از نظر فرهنگی به خود اطمینان دارد گشودگی بیشتری نسبت به تأثیرات خارجی از خود نشان می‌دهد و سود بیشتری از آن می‌برد (یونسکو، ۱۳۷۷: ۲۴). تمام تئوری‌های نوسازی با تأکید بر تغییر اجتماعی لزوماً در سطح کلان نبوده‌اند. در حالی که تحولات اجتماعی و نهادی برای مدرنیزاسیون ضروری تلقی می‌شد (سرینوا، ۲۰۰۶: ۱۱۲). در دیدگاه گیدنز، تجربه بنیادگرایی از عناصر سنت است که باعث پیدایش هیجان در فرد و جامعه می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۷۶؛ عنبری، ۱۳۹۰: ۲۳۵). هر یک از جوامع بشری سیستم اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد که به‌طور کلی این سیستم نمودی خاص و بی‌همتا از فرهنگ آن و جامعه است (نقوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳). جوامع چندفرهنگی متشکل از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت‌اند و اگر زمینه‌ای برای تلفیق و مشارکت آن‌ها در ساختاری قانونمند فراهم نشود، تحقق توسعه متوازن اجتماعی میسر نیست. با توجه به اهمیت این موضوع، توجه به خرده‌فرهنگ‌ها به‌عنوان یکی از پیش‌فرض‌های مهم در توسعه اجتماعی جوامع چندملیتی موجب توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی شده است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۰). براساس نظریه راجرز، برنامه‌های دگرگونی اجتماعی در روستا اگر بر پایه شناخت ارزش‌ها، وجه نظرها، و انگیزه دهقانان استوار نباشد، شکست می‌خورد. بنابراین، مجریان برنامه‌های توسعه روستایی باید ویژگی‌های فرهنگی و جمعیتی مخاطبان و گیرندگان برنامه‌های خود را به‌دقت مد نظر داشته باشند (بحرینیان، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

همان‌طور که پارادایم توسعه چندین دهه بر ادبیات توسعه حاکم بوده است، پژوهشگران فراوانی نیز چارچوب نظری خود را از مکتب نوسازی گرفته و در بیشتر پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده نظریه‌های یادشده تأیید شده است. اما اکنون با گذشت چندین دهه از دوران نوسازی و انتقاداتی که به نظریه‌های این حوزه وارد شده ناکارآمدی این نظریات آشکار شده است؛ به‌طوری‌که امروز شاهد تناقضاتی میان نظریه‌های یادشده و واقعیت روزمره هستیم. اندیشمندان این حوزه بر آن‌اند که برای پیدایش توسعه باید همه باورهای سنتی کنار گذاشته شود؛ به‌طوری‌که راجرز در بحث

1. Sachs

2. Talcott Parsons

خرده‌فرهنگ روستایی بر آن است که عمده‌ترین موانع نوسازی و توسعه از شیوه زندگی و فرهنگ روستاییان نشئت می‌گیرد و عناصری مانند انگیزه‌ها، ارزش‌ها، و وجه آرا در قالب خرده‌فرهنگ دهقانی مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع روستایی می‌شوند و به‌عنوان عوامل منفی و بازدارنده توسعه اقتصادی مطرح می‌شوند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

در پژوهش‌های مختلف به بررسی عناصر نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز در مناطق روستایی پرداخته شده است. اما ارتباط عناصر نظریه یادشده با توسعه روستایی در یک روستایی خاص کمتر بررسی شده است. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

ازکیا و پاک‌سرشت (۱۳۷۷) در پژوهشی با نام «فرهنگ توسعه در ادبیات کرد» نشان دادند که شمار باورهای مثبت و تسریع‌کننده فرایند توسعه در ادبیات کرد بسیار بیشتر از باورهای منفی و بازدارنده است. از این رو، ریشه‌های توسعه‌نیافتگی را باید در سایر عوامل، از جمله عوامل سیاسی و دوربودن از مرکز جست‌وجو، کرد.

محسنی تبریزی (۱۳۸۲) در پژوهشی با نام «سنجش برخی از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی در عشایر عضو نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان» نشان داد که نوع عضویت و گرایش به عضویت در نظام‌های بهره‌برداری مدرن، نظیر عضویت در طرح‌ها و تعاونی‌های مرتعداری، و نیز تفاوت مرتعداران در پایگاه و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بر برخی از باورها و ارزش‌های منتسب به خرده‌فرهنگ دهقانی مؤثر است. با این وصف، این نتایج تفاوت معنی‌داری را در دو گروه یادشده از حیث تقدیرگرایی، بی‌اعتمادی در روابط شخصی، و تصور خیر محدود نشان نمی‌دهند.

موسوی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با نام «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران؛ رویکرد خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز»، که در بررسی میدانی جامعه آماری شهروندان ۱۵ سال به بالای ساکن در شهر تهران‌اند، نشان داده است که بین ویژگی شخصیتی افراد و مشارکت اجتماعی تا حدی رابطه معنادار وجود دارد، اما بین خرده‌فرهنگ دهقانی و تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که جهت رابطه منفی باشد. در نتیجه، هر چه افراد دارای خرده‌فرهنگ دهقانی کمتری باشند تمایل ذهنی بیشتری به مشارکت اجتماعی دارند.

کرم‌پور و یوسفوند (۱۳۹۱) در تحقیقی با نام «بررسی نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز: بررسی موردی روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله» نشان دادند که عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز در منطقه موردبررسی انطباق نداشته و با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت خرده‌فرهنگ محلی و سنن بومی نه به‌عنوان مانع و معارض، بلکه پناهگاه و رقیبی برای توسعه است.

قاسمیان و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با نام «بررسی خرده‌فرهنگ دهقانی در مناطق روستایی با تأکید بر مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: استان مازندران، شهرستان بهشهر، روستای گرجی‌محله)» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای تقدیرگرایی، فقدان نوآوری، اعتماد اجتماعی، و خانواده‌گرایی در منطقه موردبررسی رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی دارند و یافته‌ها بیانگر تأثیر خرده‌فرهنگ محلی بر توسعه روستای مورد بررسی است.

مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با نام «رویکرد بومی به نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز با تأکید بر روش‌های کمی مطالعه موردی: دهستان سکمن‌آباد شهرستان خوی» به این نتیجه رسیدند که عناصر خرده‌فرهنگی شامل «خانواده‌گرایی»، «وابستگی به دولت»، و «تقدیرگرایی» در همه روستاهای دهستان مورد مطالعه و عنصر «عدم اعتماد متقابل» به غیر از روستای ممش‌خان، و عنصر «تصور خیر محدود» به جز روستاهای کلوانیس و ممش‌خان جزء ارزش‌های فرهنگی این جوامع به‌شمار می‌آیند. همچنین، عناصر خرده‌فرهنگی «محلی‌گرایی» و «عدم چشم‌پوشی از منافع آتی به خاطر منافع آتی» در جوامع روستایی مورد مطالعه جزو ارزش‌های فرهنگی آن‌ها نیست.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با نام «ارزیابی تأثیر فضای کالبدی روستاها بر سرمایه اجتماعی، اقدامات کارآفرینانه و خرده‌فرهنگ‌های راجرز با رویکردی مقایسه‌ای» به این نتیجه رسیدند که نسبت به متغیرهای تقدیرگرایی، پایین‌بودن سطح آرزوها و تمایلات، کم‌اهمیتی به عامل زمان، خانواده‌گرایی، محلی‌گرایی و فقدان همدلی روستاییان اختلاف معناداری بین دیدگاه روستاییان در چهار روستا متفاوت از نظر کالبد وجود دارد. اما در سایر موارد اختلاف معناداری بین دیدگاه روستاییان مشاهده نشد.

صاحب‌نظرانی مانند لرنر^۱ (۱۹۵۸)، لوییس^۲ (۱۹۶۰)، تکس^۳ (۱۹۶۳)، روزن^۴ (۱۹۶۴)، فاستر^۵ (۱۹۶۵)، راجرز (۱۹۶۹)، ردفیلد^۶ (۱۹۸۰)، و دیگران، با بیان مفهوم عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی، تلاش کرده‌اند دلایل توسعه‌نیافتگی برخی از مناطق جهان را نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی و فرهنگی آن جوامع بدانند.

در پایان خرده‌فرهنگ^۷ به شیوه زندگی متمایز یک گروه در جامعه‌ای پیچیده گفته می‌شود. خرده‌فرهنگ، به‌طور خاص، باورها، ارزش‌ها، نظام‌های نمادین، و اشیای مصنوع حاوی معنا را شامل می‌شود (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۴۹۵). در درون هر یک از خرده‌فرهنگ‌ها اعضای دارای ارزش‌ها باورها، نگرش‌ها، و انگیزه‌های خاص و سایر عناصر مشترک هستند. این اشتراکات کلیدی برای درک رفتار گروه می‌تواند مورد توجه قرار گیرند و در واقع هر فرهنگ هدف‌هایی را ارزش می‌دهد و از اعضای خود می‌خواهد که طرح زندگی اجتماعی خود را بر اساس آن اهداف پی‌ریزی کنند و به‌عنوان راهنماهای عمومی برای رفتار افراد به‌کار می‌روند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۵۵). راجرز (۱۹۶۹) از جمله متفکران مذکور است که عناصر اصلی خرده‌فرهنگ دهقانی را بررسی کرده است. عناصر یادشده عبارت است از: خانواده‌گرایی، عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی، پایین‌بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم توانایی چشم‌پوشی از منافع آنی برای دستیابی به منافع آتی، دیدگاه زمانی محدود، محلی‌گرایی و فقدان همدلی (چونگ^۸ و همکاران، ۱۹۸۴: ۱۰) که در ادامه درباره آن‌ها بحث می‌شود.

روش پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی و جغرافیایی روستای مورد مطالعه

روستای گلین از لحاظ تقسیمات سیاسی جزو دهستان میانرود از توابع بخش سیروان شهرستان سنج در استان کردستان است. براساس سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت این روستا ۱۱۳۵ نفر و ۳۴۴ خانوار است (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). از لحاظ مختصات جغرافیایی، روستای مورد مطالعه در ۳۵ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی و ۴۶ درجه و ۸۱ دقیقه عرض شمالی واقع شده است (نقشه ۱ موقعیت جغرافیایی روستای گلین را در کشور ایران نشان می‌دهد).

1. Lerner
2. Lewis
3. Tax
4. Rosen
5. Foster
6. Redfield
7. sub-culture
8. Chong



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

روستای گلین در فاصله ۴۵ کیلومتری جنوب غربی شهر سنندج در شهرستان سنندج قرار دارد. ۱۵ کیلومتر از طریق جاده سنندج به کرمانشاه تا محدوده روستای سو و ۲۳ کیلومتر از طریق جاده ژاوه رود به سد زاوه تا پل وصی، و در نهایت ۷ کیلومتر جاده آسفالت تا روستا ادامه دارد (تصویر ۲ عکس روستای گلین را در خردادماه ۱۳۹۹ نشان می‌دهد).



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

این روستا در یک منطقه کوهستانی و صعب‌العبور در ارتفاع ۱۸۵۰ متری از سطح دریا واقع شده است و این امر ظرفیت قابل قبولی برای فعالیت‌های کشاورزی به‌خصوص باغداری و گردشگری ایجاد کرده است. مردم این روستا مسلمان‌اند و به زبان کردی گورانی لهجه اورامی تکلم می‌کنند. بیشتر ساکنان این روستا به حرفه باغداری و تعدادی نیز به پرورش دام سبک مشغول‌اند. شمار اندکی هم در کنار زراعت، کار پرورش زنبور عسل و غیره انجام می‌دهند. روستای گلین از سمت شرق با روستاهای سواریان، سو، دره کوله، اندرآب، درویشان، کانی شلانه و بزخانه، از سمت جنوب با روستاهای دولاب، نزاز، وصی علیا و وصی سفلی، از سمت غرب با روستاهای نیر، محراب، تنگی‌سر، و از سمت شمال با روستاهای شیان، توریور، هشمیز، و خانقاه گلین هم‌مرز و همسایه است.

ویژگی‌های پژوهش

زمانی که در پژوهش انگیزه‌ها، ارزش‌ها، و وجهه نظرهای افراد مورد نظر است، به‌کارگیری روش‌های پژوهش کیفی واقع‌گرایانه‌تر است. در رهیافت کیفی، معیار انتخاب موارد یا نمونه‌گیری پژوهش بسیار متفاوت با رهیافت کمی است. در پژوهش‌های کیفی افراد شرکت‌کننده را فرد یا نمونه نمی‌خوانند، بلکه آنان را مشارکت‌کنندگان^۱ یا افراد مطلع^۲ می‌نامند. در رهیافت کیفی، کاملاً واضح است که تعداد مشارکت‌کنندگان پژوهش، برخلاف پژوهش‌های کمی، از قبل مشخص نیست، بلکه به تدریج با جمع‌آوری و تحلیل منظم داده‌ها تا هنگامی که پژوهشگر به اشباع^۳ نظری دست یابد ادامه خواهد یافت (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۹-۳۰۸). در این پژوهش از دو نمونه‌گیری مبتنی بر هدف^۴ و نمونه‌گیری نظری^۵ استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند یکی از روش‌های پُرکاربرد است که به دنبال موردهایی با اطلاعات غنی و ممکن است. پژوهشگر، برای درک عمیق‌تر، به‌طور هدفمند به دنبال تنوع است (جانسون و واتفیلد، ۲۰۰۴: ۱۲۱-۱۲۳). در آغاز پژوهش داده‌ها با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف جمع‌آوری شده‌اند، زیرا این نوع نمونه‌گیری به پژوهشگر کمک می‌کند تا در فرایند پژوهش به شکلی هدفمند از خود بپرسد که به چه نوع اطلاعاتی نیاز دارد تا نمونه‌ها را بر مبنای همان برگزیند (استراس و کورین، ۱۳۸۵: ۱۷۶). داده‌هایی که به هر نحو با مصاحبه و مشاهده بعد از نمونه‌گیری هدفمند به دست می‌آید و تجزیه و تحلیل می‌شود در گام بعد زمینه را برای نمونه‌گیری نظری فراهم می‌کند. در نمونه‌گیری نظری بر مبنای یافته‌های اولیه پژوهش، پژوهشگر می‌تواند تشخیص دهد که به چه اطلاعاتی نیاز دارد، به کجا برود، در چه موقعیت‌هایی ارزیابی‌های بعدی را انجام دهد (پارسانیا و توکلی راد، ۱۳۹۰: ۷۵). هدف محققان دنبال کردن پرسش‌های خاص و به دست آوردن جواب‌های خاص نیست، بلکه پاسخ‌گویان صرفاً درباره دیدگاه‌ها و باورهای خودشان حرف می‌زنند به این خاطر روند مصاحبه به هیچ‌وجه انفعالی نیست، بلکه نوعی کنش متقابل است. در پژوهش حاضر، داده‌ها با فونونی از جمله مصاحبه عمیق، مشاهده همراه با مشارکت، و نیز بحث گروهی متمرکز (طالب و یوسفوند، ۱۳۹۲؛ فلیک، ۱۳۸۸) جمع‌آوری شد. معیار انتخاب افراد در گروه‌های کانونی در پژوهش یادشده بر اساس اینکه کشاورزان متجانس و همگن‌اند و نمایانگر گروه کشاورزان روستا می‌باشند و به این دلیل که روستای گلین یک روستای بزرگ است بحث فامیلی و نزدیکان در بین کشاورزان روستا زیاد مطرح نبود. از این رو، در پژوهش حاضر، ۳۴۴ سرپرست خانوار روستای گلین جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. در فرایند پژوهش، نمونه‌گیری از افراد و تفسیر مصاحبه‌ها به صورت تدریجی و گام به گام از افراد سرپرست خانوار تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت و در این فرایند با ۳۵ دهقان سرپرست خانوار مصاحبه شد و برای فرایند تدریجی گردآوری داده‌ها تا زمان نیل به اشباع نظری به منظور انجام دادن بحث‌های گروهی متمرکز هفت گروه پنج‌نفره تشکیل شد. پژوهشگر با مطرح کردن موضوعات موردبررسی بحث را آغاز می‌کرد. محقق در هنگام بحث‌های گروهی و مصاحبه‌ها، داده‌ها را روی کاغذ ثبت می‌کرد و در پایان هر روز فرایند تفسیر و نمونه‌گیری تدریجی انجام می‌شد و گردآوری داده‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه می‌یافت. مدت زمان انجام بحث گروهی (بعد از انجام دادن کارهای کشاورزی و هنگام استراحت از ساعت ۱۹ تا ۲۰) بین ۴۰ تا ۵۰ دقیقه بود. در اینجا وقتی محقق موضوعی را مطرح می‌کرد هر یک از اعضای تشکیل‌دهنده به نوبت به ارائه مباحث می‌پرداختند. محقق در این جلسات، فقط شروع‌کننده موضوع، کنترل، و ترغیب اعضا به مشارکت در بحث و یادداشت‌برداری بود. انجام دادن مصاحبه‌های عمیق در

1. Participant
2. Informant
3. Saturation
4. Purposeful
5. Theoretical Sampling

کنار بحث‌های گروهی باعث می‌شود اطلاعات دقیقی دریافت شود. در مصاحبه عمیق با موشکافی و ژرف‌کاری و در بحث گروهی متمرکز از طریق واکاوی بیشتر بحث به آنچه در نظر است می‌توان دست یافت.

بحث و یافته‌ها

در پژوهش حاضر، که بر پایه عناصر خرده فرهنگ دهقانی انجام شده است، به‌طور اجمال، درباره هر کدام از مقوله‌های یادشده بحث می‌شود. در بحث و یافته‌ها نویسندگان به هیچ عنوان دنبال کدگذاری و ارائه جدول کدگذاری نبودند. بر این اساس، در پژوهش یادشده از طریق تحلیل تفسیری و توصیفی مصاحبه‌ها مستقیماً از نقل قول مصاحبه‌شوندگان برای دستیابی به مفاهیم استفاده شد و در مجموع از نقل قول‌های انتخاب‌شده تصویر منسجمی از موضوع مورد نظر ارائه شد.

فقدان نوآوری

براساس بررسی انجام‌شده، مشخص گردید که دهقانان منطقه علاقه فراوانی به انجام کار دارند؛ البته کاری که از طریق وسایل و امکانات خودشان انجام شده باشد و در استفاده از آن با مشکلی مواجه نشوند. برای مثال: «من بخاطر رفاه حال پدر و مادرم و همچنین استفاده از تکنولوژی جدید چند رأس از گوسفندهایمان را فروختم تا یک دستگاه تیلر برای شخم‌زدن زمین‌های کشاورزی بگیرم. از اون روز پدرم به‌شدت افسرده شده و در کارهای کشاورزی کمک نمی‌کند و می‌گوید این دستگاه کار شخم‌زدن را خوب انجام نمی‌دهد و معتقد است باید با دست انجام دهم؛ به طوری که بعد از کار وقتی به خانه می‌آید من را به‌خاطر کارم سرزنش می‌کند» (جوان ۳۱ساله). براساس بررسی به‌عمل‌آمده، می‌توان گفت: افراد روستایی انگیزه فراوانی برای انجام کار دارند؛ کاری که مبتنی بر زحمت باشد، نه کارهای سرمایه‌بر که برای انجام‌دادن آن به استفاده از فناوری نیاز باشد و بیشتر به استفاده از امکانات و وسایل سنتی خودشان علاقه دارند. به همین دلیل، بیشتر مردم مایل‌اند که از فناوری‌های کوچک کاربر استفاده کنند تا هم برای افراد اشتغال ایجاد شود هم مطابق با فرهنگ خاص خودشان امکان نوآوری وجود داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت بحث کنونی درباره نوآوری در جامعه یادشده عکس دیدگاه راجرز است (که پیدایش نوآوری را منوط به کاربرد فناوری جدید می‌داند). به طوری که روستاییان مورد بررسی، با وجود رشد اقتصادی، نوآوری را در احیای باورها و سنت‌های گذشته و تولید و استفاده از صنایع دستی و میراث فرهنگی جامعه خود می‌دانند که در تاریخ از قدمت برخوردار است. در پژوهش مورد نظر شکاف بین دو نسل وجود دارد؛ نسل مسن‌تر خلق و ایجاد نوآوری را منوط به استفاده کارآمدتر از سنت‌ها، وسایل، و ابزار کار حتی با فشار بدنی و تحمل سختی‌های بسیار می‌دانند. اما نسل جوان همان دیدگاه را بدون تحمل سختی و فشار کاری دارند. در نمونه مورد مطالعه بیش از ۳۰ درصد پاسخ‌گویان این دیدگاه را دارند. در نهایت، در هر دو نسل تمایل به خلق و ایجاد احیای سنت‌ها و باورهای گذشته بسیار وجود دارد. نوآوری در اینجا به معنای واقعی تمایل به به‌کارگیری در فناوری‌های به‌روز نیست، بلکه خلق و ایجاد نوآوری است که سنت‌ها و باورهای یک قوم را بازتولید کنند و بتوانند فرصتی خلق کنند تا از این عمل نوآورانه استفاده ابزاری نمایند.

خانواده‌گرایی

یافته‌های پژوهش درباره خانواده‌گرایی بیانگر وجود خانواده‌گرایی شدید در روستای گلین است. به طوری که اعضای خانواده‌های ساکن در روستای یادشده وابستگی احساسی و قلبی فراوانی به یکدیگر دارند. «ما همیشه در کارها، مثلاً کارهای سخت کشاورزی به هم کمک می‌کنیم تا بتوانیم با هم زندگی خوبی داشته باشیم. همکاری ما با هم نمی‌گذارد که آسیب‌پذیر باشیم و بیشتر سعی می‌کنیم در تمام مراحل سخت زندگی حامی یکدیگر باشیم» (مرد ۳۹ساله). «در

خانواده ما همه وظایف خودشان را انجام می‌دهند و اگر خدایی نکرده یکی از اعضا در انجام کار ناتوان باشد، اعضای دیگر خانه کارهایشان را انجام می‌دهند» (زن ۴۸ساله). «هریک از ما فقط به خودمان فکر نمی‌کنیم، هیچ یک از ما خودش را جدا از خانواده نمی‌داند و در غم و شادی خانواده با هم هستیم» (مرد ۲۶ساله). «من و برادرم کارهای کشاورزی را به نوبت انجام می‌دهیم. وقتی برای یکی از اعضای خانواده مشکلی پیش می‌آید همه اعضای خانواده برای برطرف کردن آن مشکل کمک می‌کنند» (مرد ۵۰ساله). براساس بررسی به عمل آمده، می‌توان به شدت خانواده‌گرایی در روستای مورد بررسی پی برد. روحیه خانواده‌گرایی در جنبه مثبت آن باعث ایجاد انگیزه پیشرفت برای اعضا، کارآفرینی، نوآوری، و نیز ایجاد فرصت‌های ترقی برای یکدیگر و تأمین اجتماعی و حمایت از افراد (تحصیل یکی از اعضا و کار همه برای تأمین معاش) می‌شود. ولی در جنبه منفی آن باعث می‌شود فرصت‌هایی که در نتیجه تعامل با دیگران و برون‌گرایی حاصل می‌شود از بین برود (طالب، ۱۳۸۷: ۱۰۶). همان‌طور که بیان شد، خانواده‌گرایی و توسعه به موازات یکدیگر در روستا وجود داشته است. بنابراین، خانواده‌گرایی مورد توجه راجرز نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه عامل پیشرفت نیز محسوب می‌شود. زیرا در روستای مورد بررسی مشاهده شد که با وجود خانواده‌گرایی شدید توسعه پدید آمده است.

عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی

اعتماد عبارت است از اعتقاد به اینکه دیگران به شیوه‌ای رفتار خواهند کرد که برای ما سودمند است یا دست‌کم زیان‌آور نیست (گامبتا، ۱۹۸۸: ۲۱۷). در روستای گلین مصاحبه‌هایی درباره موضوع اعتماد اجتماعی انجام شد. مصاحبه‌شوندگان با بیان مسائلی از زندگی بر آن بودند که وقایع زندگی امروزی موجب ایجاد بی‌اعتمادی شده است. آن‌ها از کاهش اعتماد به یکدیگر ناراضی بودند. «در گذشته، بعضی از مردان وقتی برای کار منزل را ترک می‌کردند و به جای دوری می‌رفتند، به دو سه نفر مردی که در روستا بودند می‌گفتند تا موقع برگشتن مواظب خانواده باشند و کارها را انجام دهند و هیچ گونه حس بی‌اعتمادی به افراد وجود نداشت. ولی امروزه هیچ کس حاضر نیست به اقوام نزدیک هم اعتماد کند» (مرد ۶۹ساله). بنا به گفته یکی دیگر از پاسخ‌گویان، «در گذشته، حرف آدمی برای هم سند بود و خیلی وقت‌ها طرف برای انجام کاری ریش یا سیبیل خود را گرو می‌گذاشت، ولی امروزه هر چی هم از طرف ضمانت داشته باشی، برای انجام معامله‌ای با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهی شد» (مرد ۵۶ساله). مصاحبه‌شونده دیگری بیان می‌کرد که «بارها برای اهالی روستا پیش آمده که به همدیگر پول قرض بدهند. وقتی که یکی از اهالی روستا مشکلی برایش پیش می‌آمد، او با مراجعه به هر کدام از افراد ده به اندازه وسعشان به فرد پول قرض می‌دادند. دلیل این کارشان این بود که می‌دانستند که اولاً این شخص نیازمند است و دوم این شخص اهل روستاست و برای خانواده و حیثیت آن ارزش قائل است و از همه مهم‌تر به خاطر قولی که داده حتماً پول را پس خواهد آورد» (مرد ۵۳ساله). همان‌طور که از مصاحبه‌ها استنباط می‌شود، امروزه، اعتماد مردم به یکدیگر، نسبت به گذشته، کاهش یافته و آن‌ها از زندگی در چنین وضعیتی راضی نیستند و با افسوس درباره گذشته صحبت می‌کنند. درنهایت، می‌توان نتیجه گرفت دیدگاه راجرز درباره وجود اعتماد کم در بین روستاییان در روستای مورد بررسی ناشی از خصلت فرهنگی نیست، زیرا ورود فناوری و کالاهای فرهنگی سنت‌ها و آداب و رسوم بومی را هدف خود قرار داده و باعث پیدایش بی‌اعتمادی در جامعه شده است.

محل‌گرایی

محل‌گرایی به گرایش فرد به درون نظام اجتماعی خود اطلاق می‌شود. دو تعبیر عمده در مقابل پدیده محل‌گرایی در جامعه دهقانی عبارت است از: تحرک جغرافیایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۱). به اعتقاد راجرز، دهقانانی که تحرک جغرافیایی کمتری دارند و از تعداد نسبتاً کمی وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند حس محل‌گرایی

بیشتری دارند. وی آن را مانعی برای توسعه در نظر گرفته است. روستای گلین در حدود ۴۵ کیلومتری شهرستان سنندج قرار دارد. همچنین، به دلیل ورود فناوری در آنجا، تاحدودی ساکنان اتومبیل شخصی دارند و تردهای گسترده افراد در شهر ملاحظه می‌شود. البته، تحرک جغرافیایی آن‌ها فقط در این حد نیست، بلکه مسافرت‌هایی نیز به مکان‌های دیدنی و کارکردن در شهرهای بندری و بزرگ در سرتاسر ایران داشته‌اند و فرزندانشان نیز برای تحصیل به شهرهایی مانند تهران، اصفهان، تبریز، و کرمانشاه سفر کرده‌اند. همه موارد یادشده را می‌توان نمونه‌هایی از تحرک جغرافیایی فراوان مردم منطقه فوق دانست. در حالی که محلی‌گرایی و احساس تعلق افراد اشخاصی که در روستا زندگی می‌کنند و افرادی که در گذشته از روستا به شهر نقل مکان کرده‌اند به روستا و طایفه‌شان، نه تنها کاهش نیافته، بلکه در بعضی از آن‌ها بیشتر نیز شده است. مصاحبه‌شوندگانی که از شهر به روستا مهاجرت کرده بودند از بازگشت به دیار پدری خود احساس رضایت می‌کردند؛ دیاری که در آن صمیمیت، صداقت، و احساس آرامش وجود دارد. آن‌ها از اینکه مدتی به دور از هم‌محله‌ای‌هایشان زندگی کرده بودند احساس پشیمانی می‌کردند. در روستای موردبررسی، شاهد استفاده گسترده از وسایل پیشرفته ارتباط جمعی، از جمله تلویزیون، ماهواره، و اینترنت، بودیم که از آن‌ها بیشتر در خانه‌ها استفاده می‌شود. یکی از اهالی روستا در این باره گفت: «در طول شبانه‌روز، چندین بار اخبار و مسائل روز را پیگیری و همچنین برنامه‌های تلویزیونی را مشاهده می‌کنم» (مردی ۶۲ساله). روستاییان، در عین استفاده از وسایل ارتباط جمعی، روحیه محلی‌گرایی فراوانی دارند. مصاحبه‌شوندگان در محیط‌های بیرونی نیز احساس تعلق و حتی تعصب به روستای خود دارند و، علاوه بر محلی‌گرایی (علاقه و تعلق به روستای خود)، طایفه‌گرایی که از خانواده‌گرایی شروع شده نیز ملاحظه شده است. «ما در همه زمینه‌های زندگی هیچ وقت پشت هم‌محله‌ای‌هایمان، افراد طایفه و روستای خودمان، را خالی نمی‌کنیم، هر چه باشد از قوم، طایفه، و دار و دسته ماست و کوچک‌ترین اهانت به هر یک از افراد روستا و طایفه به منزله از دست دادن منزلت و جایگاه اجتماعی طایفه و روستا است» (مرد ۵۷ساله). اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا با وجود اعتقاد نظریه‌پردازان نوسازی (راجرز) به اینکه محلی‌گرایی مانع توسعه روستاهاست، در جامعه مورد بررسی، تحرک جغرافیایی (سفرهای بیرونی) و استفاده گسترده از وسایل ارتباط جمعی (ماهواره، تلویزیون، اینترنت، و غیره) ملاحظه می‌شود. محلی‌گرایی مردم نه تنها کاهش نیافته، بلکه بیشتر شده است. پاسخ‌گوها درباره مزیت‌های محلی‌گرایی‌شان نیز صحبت کردند: «در طایفه ما حس همدردی و صمیمیت به قدری زیاد است که هنگامی که یکی از افراد فوت می‌کند همه اقوام برای احترام به شخص و خانواده ایشان تمام کارهای کشاورزی و ... خانواده داغ‌دیده را انجام می‌دهند و از این طریق احساس همدردی می‌کنند. همین طور در مراسم دیگر، از جمله جشن‌ها و عروسی، همه افراد روستا برای پذیرایی از مهمانان کمک می‌کنند و کارها را با توجه به احساس مسئولیتی که دارند به خوبی انجام می‌دهند» (مرد ۵۹ساله). براساس یافته‌های پژوهش، با وجود پیدایش توسعه، افراد از وضعیت پدیدآمده ناراضی‌اند و به دنبال احیای صمیمیت و صداقتی هستند که در گذشته وجود داشت. به بیان دیگر، می‌توان گفت توسعه باعث شکوفاتر شدن و توجه دوباره به سنت‌ها و خرده فرهنگ‌ها شده است.

دیدگاه زمانی محدود

براساس یافته‌های پژوهش، زمان در جامعه موردبررسی، نسبت به شهر، ماهیت متفاوتی دارد. همان‌طور که بیان شد، زندگی دهقانان در جامعه یادشده براساس ثانیه و دقیقه یا ساعت شکل نمی‌گیرد، بلکه سنجش زمان بر طلوع و غروب خورشید، آمدن یا پنهان شدن ماه یا بر فصول و سال‌های دراز و بی‌پایان استوار است. مفهوم زمان در جامعه موردبررسی نسبت به جوامع شهری متفاوت است؛ به طوری که مصاحبه‌شونده‌ها بر آن بودند که «وقتی در مزارع کار می‌کنیم، برای

تعطیل کردن کار، یک سری نشانه‌ها را برای تعیین زمان در نظر داریم. مثلاً، در آن منطقه‌ای که ما مشغول کار بودیم، وقتی که آفتاب به فلان صخره به یک حدی می‌رسید نشان‌دهنده زمان خاصی بود که بایستی کار را تعطیل می‌کردیم تا به موقع به خانه برمی‌گشتیم» (مرد ۷۱ساله). «ما محصولمان را در تابستان و پاییز برداشت می‌کنیم و معمولاً بازپرداخت معاملات در این فصول است. در این زمان، کشاورزان محصول خود را می‌فروشدند و صاحب پول می‌شوند» (مرد ۶۵ساله). «کارهای دسته‌جمعی کشاورزی را بیشتر در بهار و پاییز انجام می‌دهیم» (مرد ۴۴ساله). همان‌طور که بیان شد، متفاوت بودن معنای زمان به معنای کم‌اهمیت بودن زمان نیست، بلکه زمان برای روستاییان در معنای خاص خودشان اهمیت فراوانی دارد، زیرا ماهیت کار در روستا نسبت به شهر متفاوت است. مصاحبه‌شوندگان مایل نبودند گرفتار نظم خسته‌کننده و تکراری شهر براساس ثانیه و دقیقه یا ساعت شوند، زیرا آن‌ها این وضعیت را لمس کرده‌اند و خواهان زندگی منعطف و غیرخسته‌کننده‌اند. به همین دلیل، روستاییان مورد بررسی اهمیت کمی برای زمان (شهری) نسبت به زمان مورد نظر خودشان قائل‌اند. به‌ویژه، زمانی که این وضعیت آن‌ها را به تحمل ساختاری تکراری مقید می‌کند و باعث دلزدگی از نقش‌هایشان می‌شود.

وابستگی به دولت

درباره وابستگی به دولت، که راجرز آن را مانع توسعه روستایی می‌دانست، مباحث فراوانی مطرح شده است. به‌طوری که یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در روستای گلین بیانگر دو جنبه است: جنبه اول، وابستگی اقتصادی- مالی روستاییان است که اجرای بعضی برنامه‌های توسعه‌ای باعث پیدایش چنین وضعیتی شده است. از زمان پرداخت یارانه به مردم وابستگی آن‌ها به دولت زیاد شده و انتظاراتشان از آن افزایش یافته است؛ به‌طوری که یک روز تأخیر در واریز یارانه‌ها موجب پیدایش مسائل و مراجعه فراوان به عوامل ذی‌ربط شده است. «ما همیشه منتظر واریز یارانه هستیم، چون بخشی از درآمد خانواده‌مان را از آن تأمین می‌کنیم» (مرد ۴۵ساله). جنبه دوم، به انتظارات مردم از نهاد دولت در حل مسائلی مربوط است که در روستا و بین دهقانان ایجاد می‌شود. برخلاف جنبه اول، در اینجا وابستگی کمتری به دولت وجود دارد؛ به‌طوری که مردم انتظار ندارند دولت کارهایی مانند لایروبی انهار، پل‌سازی، ایجاد راه‌ها و تعمیرات آن‌ها را حتماً انجام دهد، مگر در مواقع ضروری که توان انجام آن را نداشته باشند. «ما چند سال پیش به خاطر خشک‌سالی آب چشمه‌مان کم شد به همین دلیل، با سایر همسایه‌ها خودمان لوله‌گذاری کردیم و منتظر دولت هم نمودیم» (مرد ۵۱ساله). به همین دلیل، روستاییان در انجام‌دادن امور یادشده به دولت وابسته نیستند. بلکه کهن‌سالان و جوانان روستایی که هنر و تخصصی دارند به رفع مشکلات و مسائل جامعه‌شان می‌پردازند.

تقدیرگرایی

راجرز تقدیرگرایی را به درجه‌ای از درک فرد به عدم توانایی‌اش در کنترل آینده تعریف کرده است. به اعتقاد راجرز، دهقانان سرنوشت^۱ را قدر مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت‌های خود می‌دانند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۴). راجرز بر آن است که در جامعه‌ای که تقدیرگرایی وجود داشته باشد توسعه‌ای نیز رخ نخواهد داد. به عبارت دیگر، این جوامع موفقیت و عدم موفقیت خود را نتیجه تقدیر و شانسی می‌دانند و معتقدند که هر چقدر هم تلاش کنند در نهایت همان خواهد شد که سرنوشت برای آن‌ها رقم زده است. علاوه بر این، از آنجا که مردم این منطقه دارای ارزش‌های مذهبی قدرتمندی نیز می‌باشند، بسیاری از روستاییان منطقه معتقدند که خواست خدا حاکم بر سرنوشت آنان است و بیشترین نقش را در شرایط زندگی آن‌ها ایفا می‌کند. «هر چه خدا بخواهد برای ما همان می‌شود و ما هر جوری باشیم تقدیر خداست» (زن ۵۳ساله).

^۱. Fatalism

براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت تقدیرگرایی در سنت و بافت اجتماعی- تاریخی منطقه وجود داشته است و وجود آن آرامش روحی- روانی و رضایت از زندگی را برای مردم ایجاد می‌کند و موجب صبر و استقامت و تدبیر بیشتر درباره امور شده است. زیرا مردم با داشتن این نوع نگاه، در صورت عدم دستیابی به آرزوها و عدم رفع مشکلات، خود را سرزنش نمی‌کنند و آن را تقدیر روزگار می‌دانند و برای خودسازی و تعالی روحی تلاش می‌کنند. روستاییان بیشتر به احیای سنت‌ها و تقدیرگرایی گرایش داشتند و معتقد بودند که، با وجود داشتن سنت‌ها و اعتقاد به تقدیر، بسیاری از آسیب‌ها و مسائل از بین خواهد رفت. بنابراین، در جامعه مورد بررسی، علاوه بر تقدیرگرایی، سطحی از توسعه‌یافتگی، فناوری، و امکانات نیز وجود دارد.

پایین بودن سطح آرزوها

براساس مصاحبه‌های انجام شده، سطح آرزوها و انگیزه پیشرفت در بین روستاییان مورد بررسی نه تنها کم نبوده، بلکه فراوان نیز بوده است؛ به طوری که مصاحبه‌شوندگان پیر و میان سال این نکته را بیان کردند که «زندگی من دارد تمام می‌شود و تمام فکر و ذکرم پیشرفت تحصیلی فرزندانم و داشتن شغل مناسب می‌باشد» (مرد ۵۹ساله). در منطقه مورد مطالعه، تحصیل و داشتن مدارک تحصیلی بالا منزلت اجتماعی را برای خانواده و طایفه آن‌ها به بار خواهد آورد که حتی چند تن از آن‌ها اشاره به این داشتند که سعی در فراهم آوردن امکاناتی برای فرستادن فرزندان‌شان به خارج از کشور جهت تحصیل هستند. با جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت رفع نیازهای ضروری در اولویت است و بعد از آن بیشتر افراد به سرمایه‌گذاری برای ایجاد شغل و نیز گسترش دامداری و عمقی کردن کشت‌وکار خود مخصوصاً برای محصولات کشاورزی همچون مکانیزه کردن روش‌های آبیاری و درست کردن سردخانه می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در روستای یا شده انگیزه پیشرفت با دیدگاه راجرز متفاوت است؛ به طوری که روستاییان جنبه جمعی- فردی و نیز معنوی- مادی زندگی را مورد توجه قرار می‌دهند. قناعت و صرفه‌جویی در بین روستاییان بیشتر برای تعالی فرزندان‌شان بوده است و در واقع آن‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری بلندمدت بوده‌اند. پس نمی‌توان گفت که سطح آرزوها در بین مردم روستایی پایین است و باعث توسعه‌نیافتگی روستا شده است.

ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آتی برای دستیابی به منافع آتی

همان‌طور که ملاحظه شد، روستاییان مورد بررسی از آینده‌نگری برخوردار بودند؛ به طوری که سرمایه‌گذاری برای اشتغال و تحصیل و موفقیت فرزندان‌شان را بر کاهش دشواری‌های فعلی در زندگی‌شان ترجیح می‌دادند. «من بخشی از زمین زراعی خودم را فروختم تا بتوانم پسر را در دانشگاه حمایت مالی کنم تا او خوب درس‌هایش را بخواند» (مرد ۵۸ساله). نگرش روستاییان در این باره بر این موضوع دلالت می‌کند که پدران و حتی مادران این روستا خود را وقف آینده فرزندان‌شان می‌کنند؛ به طوری که برای تأمین امکانات لازم برای فرزندان تلاش می‌کنند. پس می‌توان نتیجه گرفت که اکنون در روستای مورد بررسی این موضوع صادق نیست. به طوری که مصاحبه‌ها بیانگر این است که افراد توان چشم‌پوشی از منافع آتی برای دستیابی به منافع آتی را دارند، مگر اینکه نیازهای اولیه‌شان رفع نشده باشد.

همدلی

لرنر^۱ همدلی را به میزان توانایی فرد در تصور خویش در نقش دیگران تعریف کرده است. سؤالی که لرنر از دهقانان پرسیده این بوده که اگر رئیس‌جمهور کشور شوند، چه اقداماتی انجام خواهند داد. در پژوهش حاضر نگارندگان با پرسیدن همین سؤال پاسخ‌های متفاوتی دادند. عده‌ای در پاسخ می‌گفتند: «اولین کاری که انجام بدهم این است که به وضعیت کشاورزان فقیر و افراد روستا رسیدگی کنم» (مرد ۶۰ساله). عده دیگر بهبود وضعیت اقتصادی از طریق ایجاد شغل برای جوانان و ایجاد عدالت در جامعه را مطرح می‌کردند. بدین ترتیب این عنصر نیز گواهی بر رد نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی عناصر نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، که راجرز آن‌ها را موانع توسعه دانسته، در روستای گلین شهرستان سنندج آزمون شد تا از این طریق شناخت جامعی از بافت اجتماعی جامعه موردبررسی حاصل شود. به این منظور که مشخص شود آیا عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی به صورتی که مورد توجه راجرز بوده با جامعه موردبررسی صدق می‌کند.

در جامعه روستایی ایران هنوز هم روستاییانی داریم که سخت بر عقاید و باورها و ارزش‌های فرهنگی و سنتی خود پافشاری می‌کنند. و بالعکس روستاییانی هم داریم که پرتوهای عصر مدرنیزاسیون و پسامدرنیسم آن‌ها را به جامعه متمدن از نوع شهری مدرن، بدون هیچ‌گونه توجهی به باور و ارزشی که موجودیت آن‌ها را نشان دهد، پیوند زده است. نکته اصلی اینجاست که در جامعه هنوز هم مناطق روستایی داریم که حد وسط‌اند. باورها و ارزش‌های فرهنگی خود را حفظ، بازتولید، و بازسازی کرده‌اند و از این فرصت به‌دست‌آمده که خلق کرده‌اند در کنار ابزار و اطلاعات دنیای مدرن به رشد و شکوفایی و نهایتاً نوآوری رسیده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش، عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی در جامعه یادشده با آنچه راجرز و سایر نظریه‌پردازان این حوزه مطرح کرده‌اند، مطابقت ندارد. به‌طوری‌که در مؤلفه عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی یافته‌ها بیانگر نارضایتی مردم از وضع موجود به دلیل نبود اعتماد در بین آن‌هاست. در حالی که در گذشته، با وجود توسعه‌نیافته‌بودن روستا، میزان اعتماد میان افراد بالا بوده است. ولی اکنون که ورود عناصر مدرن را در روستا مشاهده می‌کنیم اعتماد میان روستاییان کاهش یافته است. درباره عنصر دوم (نوآوری) نیز مشخص شد که نوآوری موردتوجه روستاییان نقطه مقابل نوآوری از نگاه راجرز است؛ به‌طوری‌که مردم روستاهای موردبررسی نوآوری را احیای سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته و استفاده از فناوری‌های کاربر کوچک می‌دانستند. این نوع برداشت مردم به دلیل تجربه زیسته با فناوری است که از آن ناراضی‌اند. درباره عنصر سوم (تقدیرگرایی) می‌توان گفت که مردم حس تقدیرگرایی را عاملی در ایجاد آرامش روحی- روانی و تسلی خاطر خود و نیز ایجاد صبر و تدبیر درباره امور می‌دانند و نمی‌توان آن را مانع توسعه دانست. درباره پایین‌بودن سطح آرزوها و انگیزه پیشرفت، روستاییان نه‌تنها انگیزه پیشرفت فراوانی دارند، بلکه جنس این انگیزه با نگاه راجرز (فردگرایی و مادی‌گرایی) متفاوت است، زیرا در انگیزه‌های روستاییان جنبه معنوی- مادی و نیز جمعی- فردی با هم موردتوجه است. درباره ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به دلیل دستیابی به منافع آنی، یافته‌ها نشان داد که مردم روستای مورد مطالعه توانایی فراوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به دلیل دستیابی به منافع آنی دارند. به‌صورتی‌که سرمایه‌گذاری برای بهبود وضع کشاورزی و تحصیلات فرزندانشان را بر زندگی دشواری که در حال حاضر دارند ترجیح می‌دهند. درباره عنصر زمان نیز می‌توان گفت که مفهوم زمان در جامعه موردبررسی، به دلیل

ماهیت متفاوت کار و زندگی، معنایی متفاوت با مفهوم زمان در شهر دارد. روستاییان معتقد بودند که پابندی زیاد به زمان انسان‌ها را از خود بیگانه می‌کند و باعث بی‌معنا شدن زندگی و روزمرگی می‌شود. یافته‌ها بیانگر خانواده‌گرایی در سطح بالاست. این نوع خانواده‌گرایی، برخلاف دیدگاه راجرز، عاملی برای توسعه جوامع روستایی است. درباره بحث وابستگی به دولت نیز دو دیدگاه مطرح شد: اولاً وابستگی مردم به دولت بیشتر در حوزه امور مادی و اقتصادی است؛ ثانیاً، مردم به دلیل داشتن روحیه همیاری و مشارکت در انجام امور عمرانی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر روستا (از جمله برداشت محصول و غیره) با هم همکاری دارند و در این حوزه به دولت وابسته نیستند. براساس یافته‌های مربوط به عنصر محلی‌گرایی، می‌توان گفت با وجود توسعه یافته بودن منطقه، محلی‌گرایی به میزان فراوانی وجود دارد و دلیل آن مزایای روحی-روانی و حتی مادی و نیز منزلت اجتماعی است که در نتیجه آن حاصل می‌شود. به طوری که محلی‌گرایی را عامل اساسی پیشرفت خود دانسته‌اند. نهایتاً همدلی در بین روستاییان در حد بالایی بوده است.

در این پژوهش نکته‌ای مشخص شد که به یک معنا نقطه مقابل دیدگاه نظریه پردازان نوسازی به‌ویژه راجرز و پژوهشگرانی است که بر پایه نظریه‌های آن‌ها به طرح موضوع توسعه پرداخته‌اند. در آن‌ها خرده‌فرهنگ دهقانی و به‌طور کلی باورهای محلی بدون هیچ گونه تأملی مانع توسعه در نظر گرفته شده بود و این همان نگاه غربی به توسعه بود؛ این در حالی است که غربیان آن‌ها را با توجه به منافع خودشان ترسیم کرده‌اند. در این پژوهش سعی شد با نگاهی بومی بتوان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های افراد را یافت، باورهای قدیمی را اصلاح کرد، و باورهای دارای قابلیت ایجاد توسعه را به کار گرفت. آنگاه می‌توان ظرفیت‌های بالقوه را از طریق توانمندسازی به فعلیت رساند و به هدف اصلی یعنی مشارکت، که شالوده و زیربنای توسعه است، دست یافت. می‌توان از دل فرهنگ غنی و باورهای سنتی جامعه روستایی ایران اسلامی الگوهای توسعه را ایجاد کرد. در این پژوهش از دل خرده‌فرهنگی که سال‌ها مانع توسعه قلمداد می‌شد این اندیشه مطرح شده است که خرده‌فرهنگ‌ها لزوماً مانع توسعه نیستند. بر اساس همین خرده‌فرهنگ‌ها، می‌توان توسعه‌ای ایجاد کرد که حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری را به بار آورد و مردم را در توسعه و سرنوشت خود سهیم کرد و مشارکت آن‌ها را در برنامه‌های توسعه رقم زد.

بنابراین، در پایان می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که یکی از ملزومات برنامه‌ریزی روستایی توسعه فرهنگی روستاهاست. زیرا تنوع قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف برنامه‌های خاص خود را می‌طلبد. چنانچه مؤلفه‌های خرده‌فرهنگ روستایی با مطالعات صحیح و متناسب با نیازهای نوین و با شرایط امروز جامعه بازسازی و بازاندیشی شود، می‌تواند به‌عنوان محرکی در فرایند توسعه و مشارکت روستایی عمل نماید. و مادامی که می‌توان به توسعه جامعه مورد مطالعه امیدوار بود که رهیافت درون‌زا به توسعه مبنای تحول قرار گیرد و باعث ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شود.

سپاس‌گزاری

نویسندگان از همه اهالی محترم روستای گلین به خاطر همکاری صمیمانه در این پژوهش تشکر می‌کنند.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چ ۵، تهران: نشر اطلاعات.
۲. ازکیا، مصطفی و سلیمان پاک‌سرشت، ۱۳۷۷، فرهنگ توسعه در ادبیات کرد، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۲.
۳. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا؛ ایمانی، علی و احمدرش، رشید، ۱۳۸۹، نظریه‌های اجتماعی معاصر با رویکرد توسعه، تهران: نشر علم.

۴. استرس، آنسلم و کورین، جولیت، ۱۳۸۵، اصول روش تحقیق کیفی نشریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه پیرک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. الوانی، سید مهدی و شیروانی، علی، ۱۳۸۵، سرمایه اجتماعی، تهران: نشر مانی.
۶. ایزدی، نسیم؛ علی‌آبادی، وحید و سعدی، حشمت‌الله، ۱۳۹۶، ارزیابی تأثیر فضای کالبدی روستاها بر سرمایه اجتماعی، اقدامات کارآفرینانه و خرده‌فرهنگ‌های راجرز با رویکردی مقایسه‌ای، فصل‌نامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۰، صص ۱۱۹-۱۳۳.
۷. بلیکی، ترمن، ۱۳۸۴، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوایان، تهران: نشر نی.
۸. بحرینیان، حسین، ۱۳۷۸، گزارش نخستین همایش ملی صنایع روستایی، ماهنامه جهاد، سال ۱۹، شماره ۲۲۲ و ۲۲۳.
۹. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمامیر، ۱۳۸۱، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: سمت.
۱۰. پارسانیا، حمید و توکلی راد، مهرداد، ۱۳۹۰، پیامدها و کارکردهای نذر در جامعه روستایی بررسی موردی روستاهای تابعه شهرستان فومن، استان گیلان، فصل‌نامه توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۹-۸۷.
۱۱. بیت، ریچارد و ویک، الین، ۱۳۸۴، نظریه‌های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمان پور، تهران: نشر لویه.
۱۲. جلالی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال، ۱۳۸۸، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، چ ۲، تهران: نشر نی.
۱۳. ریتز، جرج، ۱۳۷۴، جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۴. شرفی، محمدرضا و خشکاب، شهربانو، ۱۳۸۸، بررسی متقابل فرهنگ و تکنولوژی، فصل‌نامه مهندسی فرهنگی، پیاپی ۳۳-۳۴، صص ۱۸.
۱۵. شکوئی، حسین، ۱۳۷۵، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
۱۶. صدیق بنای، هلن، ۱۳۸۷، رسانه‌های جمعی و سرمایه اجتماعی، مجله آفتاب، تهران، صص ۹۱-۱۰۰.
۱۷. طالب، مهدی و یوسفوند، سامان، ۱۳۹۲، بررسی ارتباط خرده‌فرهنگ محلی با توسعه مشارکتی مطالعه موردی: روستاهای منطقه کهمان، شهرستان سلسله، فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی، سال ۴، شماره ۱، صص ۱۳۶-۱۰۱.
۱۸. طالب، مهدی و موسی، عنبری، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی توسعه روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. عظیمی آرانی، حسین، ۱۳۷۵، مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
۲۰. عنبری، موسی، ۱۳۹۰، جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سمت.
۲۱. فلیک، اووه، ۱۳۸۸، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۲۲. فرانتز، ن، ۱۳۸۸، پندگرفتن از دیگران با تبلیغ ایدئولوژی‌ها، ترجمه محمد شهابی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۳(۲۸)، ۱-۶.
۲۳. قاسمیان، زری و قاسمیان، مجتبی، ۱۳۹۴، بررسی خرده‌فرهنگ دهقانی در مناطق روستایی با تأکید بر مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: استان مازندران، شهرستان بهشهر، روستای گرجی محله)، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی، شیراز: مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز.
۲۴. کرم‌پور، مصطفی و یوسفوند، سامان، ۱۳۹۱، بررسی نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز (بررسی موردی: روستاهای منطقه کهمان شهرستان سلسله)، فصل‌نامه توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۶۴.
۲۵. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۹، جهان رهاشده، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی‌ابوالوهاب، تهران: علم و ادب.
۲۶. محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۲، سنجش برخی از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی در عشایر عضو نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان، نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره چهارم، صص ۱۱-۳۶.
۲۷. محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۹، بررسی تطبیقی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۸. مطیعی لنگرودی، سیدحسن، ۱۳۹۲، برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۹. مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ غلامی، علی و محمدزاده لاریجانی، فاطمه، ۱۳۹۴، رویکرد بومی به نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز با تأکید بر روش‌های کمی (مطالعه موردی: دهستان سکمن‌آباد شهرستان خوی)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۳(۱۱)، صص ۱۵۷-۱۷۵.
۳۰. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.

۳۱. موسوی، میرطاهر، ۱۳۸۴، تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرد فرهنگ دهقانی راجرز)، فصل نامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۳۰۱-۳۲۷.
۳۲. نقوی، محمدرضا؛ پایدار، ابوذر و یاسر، قاسمی، ۱۳۹۱، بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار، فصل نامه مهندسی فرهنگی، ۶ (۶۷ و ۶۸)، ۹۳-۱۰۷.
۳۳. یونسکو، ۱۳۷۷، فرهنگ و توسعه: رهیافت مردم‌شناختی توسعه، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
34. Chong, K.C.; Lizarondo, M., S; dela Cruz, Z., S; Guerrero, C., V. and Smith, I., R., 1984, Milkfish Production Dualism in the Philippines: A Multidisciplinary Perspective on Continuous Low Yields and Constraints to Aquaculture Development. Food and agriculture organization of the united nations, Romt, ITALY.
35. Gambetta, D., 1988, Can We Trust? In D. Gambetta (led), Trust: making and Breaking Cooperative Relations, Oxford: Blackwell, PP. 158-175. Int: <http://essedunet.Used.uib.no> (social and political trust).
36. Johnson, R. and Waterfield, J., 2004, Making words count: the value of qualitative research, *Physiotherapy Research International*, 9(3), 121-131.
37. Lehman, D., 1979, *Development Theory, Four critical studies*, Cambridge: University of Cambridge.
38. Lin, Y.R.; Chi, Y.; Zhu, S.; Sundaram, H. and Tseng, B.L., 2009, Analyzing Communities and Their Evolutions in Dynamic Social Networks, *ACM Transactions on Knowledge Discovery from Data (TKDD)*, special issue on Social Computing, Behavioral Modeling, and Prediction, Vol. 3, Issue 2.
39. Lourenco, R.P. and Costa, J.P., 2006, Incorporating Citizens Views in Local Policy Decision Making Processes, *Journal of decision support system*, PP. 1499-1511.
40. Ohlin, T., 2001, Towards More Citizen Participation in Sweden, *Symposium/ futures*, Vol. 33, pp. 339-370.
41. Parafitt, Trevor, 2002, *The End of Developmant?: Modernity, Post-Modernity and Developmant ,Third World in Global Politics*, Pluto Press, London.
42. Rogers, E.M. and Svenning, L. 1969, *Modernization among peasants: the impact of communications*, Holt Rinehart and Winston, NEW York.
43. Srinivas, R., M., 2006, Everett M. Rogers and His Contributions to the Field of Communication and Social Change in Developing Countries, *ournal of Creative Communications*, SAGE PUBLICATIONS, New Delhi, Thousand Oaks, London. Vol. 1, Issue 1, pp. 111-121.